

## ختم تدبری سوره مبارکه هود

<p>نوشتن و همراه داشتن سوره: اعطای قوت و نصرت از سوی پروردگار و توان مقابله با ۱۰۰ نفر از دشمنان و رسیدن به مجد و هیبت</p>	<p>اعطای اجر و ثواب به تعداد کسانی که هود و سایر انبیاء را تصدیق یا تکذیب نمودند؛ قرار گرفتن در درجه شهداء در قیامت؛ و داشتن حساب آسان</p>	<p>قرائت در هر جمعه: حشر با پیامبران در قیامت، بدون دیده شدن خطیئه‌ای در اعمال</p>	<p><b>ثواب قرائت:</b></p>
<p>چگونه با تکیه بر ویژگی «احکام و تفصیل» در نوع هدایت کتاب و رسول و تدبیر در زندگی انبیاء و اُمم گذشته، می‌توان همراه با رسول، «عبودیت الله» را از طریق استغفار و توبه در تمام زندگی جاری ساخت و با «استقامت»، از طریق «اقامه نماز و صبر و ذکر»، ساختاری از «حُسن» ایجاد نمود تا با غلبه بر انواع موانع و سازمان سوء موجود، «امت واحده» محقق شود.</p>			<p><b>غرض سوره:</b></p>
<p>زیارت انبیاء الهی ع و رسول مکرم اسلام ص و قرآن کریم و نثار پیوسته سلام و صلوات الهی به ایشان و مشاهده نظام هماهنگ و یکپارچه و خط پیوسته انتقال معارف و هدایت توحیدی توسط ایشان و تلاش جهت قرارگیری در ساختار «محسنین» و «اولوا بقیه»، با ایمان به «غیب» و «بقیه الله»، به عنوان مبدأ و منشأ «احکام»، به منظور بروز یافتن «تفصیل» و کمک جهت فائق آمدن بر انواع موانع و ساختارهای باطل و در نهایت، تحقق امت واحده</p>			<p><b>طهارت سوره:</b></p>
<p><b>نکات ترجمه و تدبیر</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• کتاب/ قوانین عالم/ قرائت/ جاری شدن هستی و زندگی</li> <li>• کتاب، روح و صراطی، جاری در هستی (احکام)</li> <li>• این روح باید در همه اجزاء، حضور داشته باشد.</li> <li>• ضرورت تفصیل (احکام)، برای قابل زندگی شدن کتاب (باید و نبایدها)</li> <li>• مثال بارز احکام و تفصیل، «نماز» است. چگونه؟</li> <li>• یکی بودن غرض همه آیات کتاب؛ غرضی که وقتی شکافته شود، به صورت آیات مفصل درمی آید.</li> <li>• تفصیل، جلوه احکام است در مراتب مختلف</li> <li>• مشکلات زندگی ما در این زمینه؟ احکامها تفصیل ندارند و تفصیلها به احکام متصل نیستند.</li> <li>• راز زندگی کردن کتاب: از احکام به تفصیل و از تفصیل به</li> </ul>	<p><b>کلیدواژه‌ها</b></p> <p>کتاب/ احکام/ تفصیل/ حکیم / خبیر</p>	<p><b>آیه</b></p> <p>الر کتَابُ اُحْکَمَتْ اَیَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَکِیْمٍ خَبِیْرٍ ﴿۱﴾</p>	<p><b>دسته بندی آیات</b></p> <p>دسته اول:</p> <p>آیات ۱-۲۴ احکام کلّ سوره</p>

<p>احکام رسیدن</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• منشأ احکام، غیب است. انبیاء، خود کتاب هستند.</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مبدأ: غرض واحد، اصل و قانون بنیادین هستی</li> <li>• مهم ترین احکام زندگی بشر</li> <li>• (زمینه همه آیات سوره و خلاصه گیری از مضامین آنها)</li> <li>• توحید، اصلی است متضمن تمامی تفاضیل و جزئیات معانی قرآن؛ از عرش تا آسمان و زمین و موجودات تا قیامت و...</li> <li>• (روح، زیربنا، پایه، مبنا)</li> </ul>	<p>عبودیت الله/رسول / نذیر / بشیر</p>	<p>أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• استغفار و توبه، تفصیل انذار و بشارت</li> <li>• رسول، معرف احکام و تفصیل و رابط ما و کتاب (مشخص کننده نواقص ما، هدایت کننده مسیر رفع نواقص و حرکت دهنده به سمت بالا)</li> <li>• مسیر: استغفار، دستگاه ربوبی برای شکوفایی انسان</li> <li>• توبه، عامل حرکت و سیر انسان</li> <li>• مقصد اولیه استغفار و توبه: متاع حسن و ابتاء فضل (حیات مورد پسند فطرت، بهترین بهره مندی های دنیایی)؛ اثر در همین دنیا و فعال شدن توان ها</li> <li>• باید برای جزئیات زندگی، دلیل و حجت و هدف گذاری داشته باشیم و هر کارمان، نسبتی با هستی داشته باشد.</li> </ul>	<p>استغفار / توبه / متاع حسن / ابتاء فضل</p>	<p>وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مقصد نهایی: رجوع به الله</li> <li>• کار سوره هود: ایجاد دغدغه برای تفصیل یافتن احکام های زندگی، برای جاری شدن عبادت، رسیدن به بهره های دنیایی و شکوفاشدن همه استعدادها (تشیع)</li> <li>• خداوند، این توانمندی، غایت و مسیر رسیدن به این غایت را هم تقدیر کرده است.</li> </ul>	<p>رجوع الی الله / قدیر</p>	<p>إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تحلیل ریشه ها و انواع موضع گیری کافران، با شروع تفصیل توسط پیامبر</li> </ul>	<p>وانمود کردن به نشنیدن و پنهان کردن در سینه</p>	<p>أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ لَيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَفْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• بیان تعدادی از قوانین محکم و سنگین هستی و قرآن</li> <li>• این آیه، از احکام های سوره و غرر آیات قرآن</li> <li>• نباید نگران رزق بود؛ بلکه باید نگران انجام تکلیف الهی بود.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• یادآوری رزق تمام جنبنده ها و ضامن بودن خداوند بر آن</li> <li>• روزی دهنده، آگاه به حاجت و وضع محل زندگی (موقت و دائم)</li> <li>• تأمین نیازها برای رسیدن به غایت زندگی</li> </ul>	<p>وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٦﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• برآب بودن عرش (نظام تدبیر)، کنایه از مالکیت خداوند، مستقر بر آب (مایه حیات) و استواء بر عرش، به مفهوم</li> </ul>	<p>خلق / عرش / آب / احسن عمل</p>	<p>وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ</p>

<p>تدبیر مخلوقات پس از خلق (نظام خلق) آسمان‌ها و زمین</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• نتیجه این دو نظام (نظام خلق، احکام و نظام تدبیر، تفصیل) وقوع «احسن عمل» در انسان: عامل ایجاد هماهنگی کامل انسان با هستی</li> <li>• جالب‌ترین جدال عالم: چیزی بر «ماء» باشد (ماء ذاتاً تغییر دارد)، اما ثابت باشد. زندگی انسان ثابت است، اما تکرار در زندگی او جای ندارد.</li> <li>• انسان باید در عین متغیربودن، ثابت باشد (حالات مستودع و مستقر). متغیر است اما دائماً در حال انجام احسن است (حقیقت احکام و تفصیل).</li> <li>• ثبات انسان به خاطر نظام احکام است و تغییرش به خاطر تفصیل است و انسان جمع بین نظام احکام و تفصیل است. احکام‌ها تفصیل دارد و تفصیل‌ها هم احکام دارند. این مسئله، بالاترین جمع اضداد در عالم است.</li> <li>• در نظام عالم تکوین، چیزی غیر حُسن وجود ندارد، اما در نظام انسانی فقط احسن است که حُسن دارد و حُسن برای غیر احسن، معنا ندارد.</li> </ul>	<p>حُسن: هماهنگی تمامی اجزاء بر راستای غایت</p> <p>تمامی کائنات و نظام تدبیر بر مبنای نظام حُسن عمل می‌کنند.</p>	<p>أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• برداشت غلط از تفصیل و نظام تدبیر</li> </ul>		<p>وَلَئِن أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجِبُ عَلَيْنَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سمت ثابت زندگی انسان (احسن عمل) برای تحلیل طرف متغیر (رحمت، نعمت، سختی و...)</li> <li>• انسانی که در زندگی اش «محکم» نداشته باشد، حالت‌های او را آدم‌ها و محیط رقم می‌زنند. اگر اوضاع خوب باشد، حالش خوب است و اگر اوضاع بد باشد، حالش بد است. او کاملاً وابسته به محیط است و در نهایت خیزی و ذلت زندگی می‌کند.</li> </ul>	<p>رحمت / یأس / کفر</p> <p>نعمت / ضراء / فرح / فخور</p>	<p>وَلَئِن أَدَقْنَا لِلْإِنسَانِ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ ﴿٩﴾</p> <p>وَلَئِن أَدَقْنَا لَهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَه لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ ﴿١٠﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• آیه ثابت زندگی انسان؛ برای کسانی که همواره اهل پایداری و عمل صالح «احسن عمل» هستند. مغفرت، در ازای بروز مشکل و اجر، در قبال وجود نعمت</li> <li>• صبر، متغیر زندگی انسان را به ثابت تبدیل می‌کند (نه مایوس و نه فخور)</li> <li>• صبر، پایداری (نه تحمل) در همه حالت‌ها (فقر و غنی، سلامت و مریضی و...)، موقعیت‌ها و عوامل و شرایط</li> </ul>	<p>صبر / عمل صالح / مغفره / اجر</p>	<p>إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نبی در هر حالتی به ملکوت متصل است و این برای نبی ثابت است. ثروت و فقر، سلامتی و مریضی و... همگی در عالم متغیر هستند و اینها در برابر ثابتات عالم هیچ‌اند.</li> </ul>		<p>فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>• ثابت، چیزی نیست که انسان‌ها با تلاش خودشان به آن برسند.</li> <li>• اعجاز معنایی قرآن، نیاز به تدبیر دارد و راز تشکیل «امت واحده»، احساس نیاز به معرفت است.</li> </ul>	<p>شَيْءٍ وَكَيْلٍ ﴿١٢﴾</p> <p>أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• لزوم تسلیم</li> </ul>	<p>فَأَلِّمِ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٤﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• هشدار و خطر: هر کسی حیات دنیا و زینتش را بخواهد، به او می‌دهیم و کم هم نمی‌گذاریم (احسن عمل، ربطی به تمتعات دنیایی ندارد).</li> <li>• ثابت: حیات آخرت / وحی / احسن عمل</li> </ul>	<p>مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾</p> <p>أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه به داستان حضرت موسی ع و جایگاه سه‌گانه آن در این ابتدای سوره (احکام)، میانه و انتهای سوره (نتیجه‌گیری) و اهمیت و جامعیت این موضوع</li> <li>• کتاب، حاوی حقایق ثابت عالم و در حکم امام و رحمت (شکوفاکننده استعدادها)</li> <li>• کتاب، عامل شناخت رسول و ولی</li> <li>• لزوم اعتماد و ایمان به کتاب، به‌عنوان تفصیل‌دهنده همه نیازها در عرصه‌های زندگی</li> </ul>	<p>أَقَمَنَ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ قَالُوا مَوْعِدُهُ قَلَّا تَكَ فِي مَرِيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• هرگاه کتاب، از هر جای زندگی بیرون کشیده شود، الهی‌شدن از همان‌جا قطع خواهد شد.</li> <li>• بزرگ‌ترین و بدترین مانع در مسیر خدایی‌شدن: بیرون‌کشیدن پای وحی و کتاب از زندگی انسان</li> <li>• کتاب آمده، تا وجه الهی را در هر چیز تفصیل دهد.</li> </ul>	<p>لَعْنَتِ</p> <p>وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾</p> <p>الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• حق، آن‌قدر حق جلوه خواهد کرد و در همه حوزه‌ها نفوذ خواهد کرد که در نهایت، همه شئون زندگی، به وحی و کتاب خدا متصل خواهد شد.</li> </ul>	<p>أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• خسارت نفس و در نتیجه اخسربودن در آخرت، نتیجه حذف کتاب و وحی از زندگی است.</li> <li>• نیاز به انواعی از انبعاث و قیام و انقلاب علمی و فرهنگی و تربیتی و... در راستای تفصیل کتاب در نظام و حکومت</li> </ul>	<p>خسارت نفس / اخسرون</p> <p>أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾</p> <p>لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسِرُونَ ﴿٢٢﴾</p>

<p>دینی</p>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تفاوت اعمی و بصیر، تفاوت دو دیدگاه است: حذف کتاب از جریان تفصیل در زندگی، یا لزوم تفصیل کتاب در همه اجزای زندگی</li> </ul>	<p>مخبتین / اعمی / بصیر</p>	<p>﴿۲۳﴾</p> <p>إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۳﴾</p> <p>﴿۲۴﴾</p> <p>مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۲۴﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• از اینجا به بعد، بیان بیماری اجتماعی اقوام و موانع پذیرش دعوت انبیاء و عملکرد غلط اقوام و مدل هلاکتشان (نوع عذاب)</li> <li>• نحوه مواجهه انبیاء و مدل تبلیغ آن‌ها بر اساس غایت‌مداری (امت واحده توحیدی)</li> <li>• توجه به اسماء‌الله در هر داستان (غایت موردانتظار)، با توجه به مشخصات هر قوم: نیاز و موانع و فضل و استعدادها و... و بیان نبی (مسیر دستیابی به غایت)</li> <li>• تفصیل مدل مبدأ، مسیر و مقصد (استغفار، توبه، متاع، فضل و...)</li> </ul>		<p>دسته دوم:</p> <p>آیات</p> <p>۲۵-۴۹</p> <p>داستان حضرت نوح</p> <p>ع</p>	<p>وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۲۵﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تبیین احکام</li> </ul>		<p>﴿۲۶﴾</p> <p>أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ ﴿۲۶﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مشکل اصلی قوم نوح این بود که سران کفر (ملاً) می‌گفتند چرا حضرت نوح ع، بشری مثل ما نیست؟ چرا وحی عجیب و غریب نیست و چرا اطرافیان نوح ع انسان‌های عادی و فرودست (ارادل) جامعه هستند؟ (عیب حس گرایي)</li> </ul>	<p>ملاً</p>	<p>﴿۲۷﴾</p> <p>فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بُادِي الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿۲۷﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تلاش نبی، برای تغییر دیدگاه جامعه از حس گرایي (لایه‌بندی طبقاتی) به بینه‌خواهی و حجت‌گرایی</li> <li>• توجه به عدم درخواست مال از سوی نبی</li> </ul>	<p>بینه / رحمت / عدم درخواست مال</p>	<p>﴿۲۸﴾</p> <p>قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعَمَّيْتُ عَلَيْكُمْ أَنْلَزْتُ مَكْمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿۲۸﴾</p> <p>﴿۲۹﴾</p> <p>وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿۲۹﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• یعنی اختلاف، بر سر توحید است.</li> <li>• حُکم خدا باید بر هر چیز مقدم باشد.</li> <li>• لزوم توجه به اعجازهای عقلی و معرفتی (به‌جای حسی) برای پی‌بردن به وجود حقیقت</li> </ul>		<p>﴿۳۰﴾</p> <p>وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۳۰﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• مشخص‌سازی فهرست و ریشه‌ایرادگرفتن‌های ملاً (از روی پاسخ حضرت نوح ع)</li> </ul>		<p>﴿۳۰﴾</p> <p>وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ</p>	

<ul style="list-style-type: none"> <li>• ریشهٔ ایرادگیری‌های ملاً، حس‌گرایی است (نظام ارزش‌گذاری).</li> <li>• عدم توان جمع بین یک چیز غیرمادی با یک چیز مادی</li> </ul>		<p>تَزَدَرِي أَعْيُنَكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• گناه، سبب کم‌شدن توجه نسبت به گزاره‌های بدیهی می‌شود.</li> <li>• پرهیزدادن از شوخی با محکمت و امتحان کردن آن‌ها</li> </ul>		<p>قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتَنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نصیح: خیرخواهی کامل. بیانی که در آن، فقط خیر طرف مقابل خواسته می‌شود.</li> <li>• قانون الهی: کسی‌که در مسیر باطل فرورفت، دیگر گوش‌هایش حرف حق را نشنود.</li> </ul>		<p>وَلَا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُنصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• اعلام برائت رسول از جرم قومش</li> </ul>		<p>أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتَهُ فَعَلَيَّْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرَمُونَ ﴿٣٥﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• عذاب وقتی می‌آید که حق و باطل کاملاً از هم جدا شده و دیگر امید به نجات کسی نیست.</li> <li>• کسی که نظام ارزش‌گذاری‌اش دنیا باشد، در دنیا غرق خواهد شد. غرق شدن (مغرقون) نتیجهٔ نهایی این آسیب اجتماعی است.</li> </ul>		<p>وَأَوْحِي إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ریشه و اصل کشف کلیه صنایع، به انبیاء برمی‌گردد.</li> </ul>		<p>وَيَصْنَعِ الْفُلْكَ وَكَلِّمَ مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• عذاب خوارکننده و پایدار</li> </ul>		<p>فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نجات همراهان</li> </ul>		<p>حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• این آیه از آیات غرر قرآن است.</li> <li>• هر حرکت و سکونی در این قضیه، به بسم الله است.</li> </ul>		<p>وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• پسر نوح، با نمود جلوه‌های عذاب، باز هم نمی‌خواهد بپذیرد که این اتفاق، جلوهٔ مادی‌اش آب است او هنگام عذاب هم نمی‌تواند بیرون منظومهٔ دنیایی‌اش نگاه کند.</li> </ul>		<p>وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَتَادِي نُوحًا ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾</p>
		<p>قَالَ سَاوِيَ إِلَى جِبَلٍ يَْعَصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>• عبارت «وَقِيلَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، در این سوره، جمله مهمی است.</li> </ul>	<p>بعد / ظالمین</p>	<p>وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ اقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَفُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَقِيلَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سخنی از باب دغدغه برای هدایت و نجات افراد</li> </ul>		<p>وَتَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• انسان‌ها با عملشان تعریف می‌شوند.</li> </ul>	<p>عمل غیر صالح</p>	<p>قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾</p> <p>قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سلامت برای افراد و برکت برای زمین و رویدنی‌ها و محصولات</li> </ul>	<p>سلام / برکات</p>	<p>قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تقوا، راه درمان و نجات</li> <li>• عاقبت، برای متقین است.</li> </ul>	<p>صبر / تقوی</p>	<p>تِلْكَ مِنْ آيَاتِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• عبودیت الله، محکم محکمت زندگی انسان</li> <li>• در واقع، موجودات به جز عبادت خدا، هیچ‌گونه هستی‌ای ندارند.</li> <li>• هرگونه رفتاری غیر از عبودیت الله، افتراء است.</li> </ul>	<p>عبودیت الله</p>	<p>وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾</p>	<p>دسته سوم: آیات ۵۰-۶۰ داستان حضرت هود ع و قوم عاد</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• موضوع اجرخواستن انبیاء، زمینه تعقل است.</li> <li>• پیوند آن‌ها با خداوندشان است.</li> </ul>		<p>يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• هیچ چیزی مانند نظام الهی، قدرت شکوفایی دنیا را هم ندارد.</li> <li>• مطرح کردن بحث باران برای آن قوم، نشان‌دهنده نقش مهم باران در اقتصاد آن قوم است.</li> <li>• مجرم بودن است که سبب می‌شود انسان برنگردد و ایمان نیاورد.</li> <li>• ایمان‌ها در این سوره، ایمان‌های جمعی است، نه فردی و خواص دنیایی، کارکرد و شکوفایی آن نیز در گرو جمع است.</li> </ul>	<p>استغفار / توبه / قوه / جرم</p>	<p>وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سؤال این است که آیا شما برای پرستش آله‌ها، بی‌نه دارید؟ مگر رسم آباء، بی‌نه است؟ این نشان می‌دهد چنین افرادی اصلاً اهل بی‌نه نیستند.</li> </ul>	<p>بی‌نه</p>	<p>قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• بی‌نه حضرت هود ع: من از شرکتان، اعلام برائت می‌کنم.</li> </ul>		<p>إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا</p>	

		تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾	
• نوعی مباحله حضرت هود ع با قوم خود		مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ ﴿٥٥﴾	
• بیان احکام‌هایی در رابطه با هستی		إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾	
• ابراز تکمیل «ابلاغ رسالت»		فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٥٧﴾	
• تناسب عذاب‌ها با اقوام (بسیاری از بلاهایی که بر سر بشر می‌آید، عذاب است.	عذاب غلیظ	وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾	
• عصیان از یک رسول، یعنی عصیان از همه رسولان؛ زیرا رسولان یک منظومه هستند.	رسله (خط انتقال معارف و رسالت انبیاء)	وَتِلْكَ عَادٌ جَدَّوْا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾	
• توجه به واژه‌های قرب و بُعد • لعنت و بُعد، به‌جای متاع حسن، در دنیا و آخرت	لعنت/بُعد	وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَّا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَلَّا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾	
• امارات و آبادانی برای قوم ثمود، بسیار موضوعیت داشته است.	عبودیت الله/قریب مجیب/استغفار/توبه	وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿٦١﴾	دسته چهارم:  آیات ۶۱-۶۸ داستان حضرت صالح ع و قوم ثمود
• سابقه تأثیر گذار بودن حضرت صالح ع در جامعه		قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّ لَنَا لِفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿٦٢﴾	
• بینه‌مداری حضرت صالح ع	بینه	قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي مِنْهُ رَحْمَةٌ فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿٦٣﴾	
• ناقه، بینه است. • معجزه درخواستی، برای گروه‌هایی اتفاق می‌افتد که زیرکی خاصی دارند.		وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾	
• اعلام وعده مدت‌دار، نشان اقتدار رسول		فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾	
• خداوند، «قریب مجیب» بود، ولی آن‌ها فکر می‌کردند که خدا فقط بیرون قلعه آن‌هاست.		فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾	
	صیحه	وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي	



		دِيَارِهِمْ جَاتِمِينَ ﴿٦٧﴾	
• واژه بُعد	بُعد	كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا آلَا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ آلَا بَعْدًا لِّتَمُودَ ﴿٦٨﴾	
		وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾	دسته پنجم:  آیات ۶۹-۸۳ داستان حضرت لوط ع
• ماجرای وارد شدن ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ع بر حضرت ابراهیم ع		فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ نَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْ قَوْمِ لُوطَ ﴿٧٠﴾	
	ضحک: پایان دوره عادت ماهیانه درباره زنان	وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمَنْ وَّرَاءَ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾	
• رحمت خدا و برکاتش بر شما اهل بیت است		قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾	
		قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾	
• محبت و لطف و توجه حضرت ابراهیم ع به امت		فَلَمَّا ذَهَبَ عَنِ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطَ ﴿٧٤﴾	
	لَحَلِيمٍ أَوَّاهٍ مُنِيبٍ	إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٍ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾	
• قطعی بودن عذاب قوم لوط		يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾	
		وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾	
• نهایت تلاش انبیاء برای نجات قوم خود		وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلَ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾	
		قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾	
		قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾	
• فرارسیدن عذاب و تناسب آن با عمل آن‌ها (زیروروشدن در قبال زیروروکردن نوامیس خلقت)		قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِنَّا أَمْرَاتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنْ مَوْعَدُهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ	

	<p>بَقَرِيبَ ﴿٨١﴾  فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا  عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سَجِيلٍ مَّنصُودٍ ﴿٨٢﴾  مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ  بَعِيدٍ ﴿٨٣﴾</p>	
<p>عبودیت الهی / خیر</p>	<p>وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا  اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُضُوا الْمِكْيَالَ  وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ  عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿٨٤﴾</p> <p>وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا  تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ  مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾</p> <p>عیث: فسادهایی که با «حس» مشاهده می‌شود.  عثی: فسادهایی که «عقل» آن را درک کند، نه  حس.</p>	<p>دسته ششم:  آیات  ۸۴-۹۵  داستان حضرت  شعیب ع و اهل  مدین</p>
<p>• ایراد قوم شعیب: جاری نبودن عبادت خداوند در معاملات و زندگی اجتماعی‌شان</p> <p>• کم‌نگذاشتن در پیمان‌ها و اندازه‌گیری‌ها، جلوه تفصیلی عبادت خدا، در زندگی اجتماعی و معاملات است.</p> <p>• اگر کسی در معامله انصاف را رعایت نمی‌کند، قطعاً اشکالش در توحید است.</p> <p>• کم گذاشتن، حاصل فقر نیست، بلکه حاصل طمع است.</p> <p>• نظام‌های اقتصادی طبقه ایجاد می‌کنند و نتیجه طبیعی چنین زندگی، فساد است.</p> <p>• این نوع فساد، از بدترین انواع فساد است؛ کاملاً شبکه‌ای و ساختاری است. اقتصاد و مسائل اقتصادی و معاملاتی، زمینه مناسبی برای ایجاد فسادهای هلاک‌کننده در جامعه است.</p> <p>• این مدل با تمام وزانت و وقار ظاهری، فسادی پنهانی در تمام دنیا رایج می‌کند: فسادهای پنهان؛ بازی در زمین دشمن و با قواعد او (مدل‌های غربی توسعه و اقتصاد).</p> <p>• تکاثر، مشکل قوم شعیب ع (مشکلی که بالأخره شما را به همان لهو بچه‌گانه می‌کشاند: الهیکم التکاثر)</p> <p>• استفاده از تمام مواهب زمین اشکالی ندارد، اما استفاده از مواهب دنیا برای دنیا اشکال دارد.</p>	<p>بَقِيَّتِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا  عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾</p> <p>بقیه الله: آنچه به واسطه خدا باقی می‌شود.</p>	
<p>• تحقیر برنامه عبادی نبی</p>	<p>قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا  يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ  إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾</p>	
<p>• بینه: حجت‌هایی که ربط قانون‌های پایینی را با بالایی نشان می‌دهند.</p>	<p>قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن  رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِّنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ  أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِن أَرِيدُ إِلَّا  الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ  عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾</p>	
<p>• هشدار برای هم‌عاقبتی با اقوام گذشته</p>	<p>وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ  مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ</p>	

	<p>وَمَا قَوْمٌ لُوطٍ مِّنكُمْ بَعِيدٌ ﴿٨٩﴾  وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>جامعه‌ای که دچار نقص در سیستم اجتماعی شد، منتظر بروز حتمی مشکل مودت و رحمت در آینده‌اش باشد.</li> </ul>	<p>استغفار / توبه / رحیم / ودود: محبت دارای نشانه و اثر مستمر</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>سنگسار کردن، بدترین شکل حذف کردن است.</li> <li>علت تحقیر شعیب ع، حفظ مشتری در سیستم مشتری محور است.</li> </ul>	<p>رجم</p>	<p>قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِيزٌ ﴿٩١﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>عذاب خوارکننده، از جنس عمل خود آن قوم است؛ زیرا می‌خواستند حجت الهی را خوار و تحقیر کنند.</li> </ul>	<p>عذاب یخزیه</p>	<p>قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيَا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾</p> <p>وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>جناح باطل، دچار حماقت هستند؛ زیرا دائماً می‌خواهند چیز امتحان شده را مجدداً امتحان کنند.</li> <li>آن‌ها ترجمه برانگیز از بین می‌روند، چنان که گویی اصلاً نبوده‌اند.</li> </ul>		<p>وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِمِينَ ﴿٩٤﴾</p> <p>كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا آلَا بَعْدًا لِمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودٌ ﴿٩٥﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>ابزار مبارزه با دستگاهی به نام فرعون (استکبار)، سلطان مبین است.</li> <li>سلطان، علم به قدرت رسیده است. یعنی علمی که چنان تفصیل یافته که غلبه‌اش آشکار است.</li> </ul>	<p>سلطان مبین</p>	<p>وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>سیستم فرعون، بسیار پیچیده است. او برای خودش ملاً دارد که آنها حرفش را گوش می‌دهند. اوامر او تا پایین دست جامعه، نفوذ پیدا می‌کند.</li> <li>فرعون با همه این احوالات رشد ندارد و فقط غی دارد.</li> </ul>		<p>إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>فرعون مدل ساختاری و حکومتی شده قوم‌های قبلی است؛ با شبکه حکومتی و نفوذ گسترده و عمیق</li> </ul>		<p>يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَارِدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>دستگاه اقتصادی و مالی قوی (طبق مدل قوم حضرت شعیب) که ثروتش را در اختیار چنین حکومتی قرار می‌دهد.</li> <li>از به هم ریختن ساختارهای خلقی هم شبکه‌ای دارد تا بتواند شهوت را در جامعه نهادینه کند.</li> <li>از طرف دیگر جامعه را به سمت تفاخر تکنولوژی پیش می‌برد (شبهه قوم ثمود) و نوعی لهو و لعب را در جامعه نهادینه می‌کند (مانند قوم عاد).</li> </ul>	<p>لعنت</p>	<p>وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرَّقْدُ الْمَرْقُودُ ﴿٩٩﴾</p>

دسته هفتم:

آیات

۹۶-۹۹

نکاتی درباره

حضرت موسی ع

<ul style="list-style-type: none"> <li>این گونه حکومت خود را تضمینی جلو می‌برد. بنابراین نمونه کامل همه اقوام در حکومت فرعون دیده می‌شود.</li> <li>استکبار امروز دنیا، مدلش، مدل فرعونیت است. مدل امام خمینی ره نیز کاملاً موسی گونه است.</li> <li>ساختار احکام و تفصیل از نوع باطلش در شبکه فرعون به خوبی اتفاق می‌افتد</li> <li>استکبار جهانی امروز خصوصاً آمریکا نماد بارز فرعونیت است.</li> </ul>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>آنچه که بر سر اقوام آمد، اثر طبیعی کار خودشان بود و هیچ چیز اعم از تکنولوژی، آثار و بنا، ساختارهای عظیم فرعون و ... نتوانستند مانع هلاکت آن‌ها شوند.</li> </ul>		<p>دسته هشتم:</p> <p>آیات ۱۰۰-۱۰۸</p> <p>نتیجه‌گیری و خلاصه‌سازی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>بیان قانون ثابت عالم هستی: اخذ خداوند، این گونه است.</li> </ul>		<p>دَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقَصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾</p> <p>وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾</p> <p>وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>مجموع آنچه بیان شد، در روز قیامت به‌طور مشهود دیده خواهد شد.</li> </ul>		<p>إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الِآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>در ماندن این جریانات، هنوز بحث اجل مطرح است.</li> </ul>		<p>وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدَّدٍ ﴿١٠٤﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>روزی خواهد رسید که حتی کمترین ابرازشان (تکلم) احتیاج به اذن دارد.</li> </ul>		<p>يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>نفس نفس زدن، حالتی حاصل اضطراب و فشار شدید او ظاهراً بقیه را به نفس نفس می‌انداخته، اما در قیامت این حالت برای خودش ایجاد می‌شود.</li> </ul>	<p>زَفير: نفس کشیدن پی‌درپی شَهِيق: طول زفير و همچنین برگرداندن نفس</p>	<p>فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>خالد بودن در آتش مادامی که آسمان‌ها و زمین هست، مگر این که شاء خدا نخواهد.</li> </ul>		<p>خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>آبدی بودن برای بهشتیان</li> </ul>		<p>وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ ﴿١٠٨﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>به زودی بهره‌ای را که از کیفر اعمالشان عایدشان می‌شود، به ایشان می‌هیم، بدون این که به وسیله شفاعت و یا عفو از آن بکاهیم.</li> </ul>		<p>فَلَا تَكُ فِي مَرِيَّةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيْبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾</p>	<p>دسته نهم:</p> <p>آیات ۱۰۹-۱۱۹</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>اهمیت منطق و مرام، پیچیدگی و مسئله‌های داستان</li> </ul>	<p>کتاب / شک مریب: شک بعد از علم</p>	<p>وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ</p>	

<p>حضرت موسی ع به اندازه کل موضوع نشان دادن عظمت شریعت حضرت موسی ع</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>قرار بود کتاب حضرت موسی ع به سند آیه ۱۷، امام و رحمت باشد. اما آن کتاب مایه اختلاف شد (به دلیل پیروی از آباء و شهوت گرایي و تفاخر و...)</li> <li>آگاهی خداوند از تقابل افراد در برابر «محکم» و دیدن نتیجه به ازای این تقابل</li> </ul>	<p>لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ ﴿١١٠﴾</p> <p>وَإِنَّ كَلًّا لَّمَّا لِيُوقِنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١١﴾</p>	<p>جمع بندی</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>تمام اتفاقات قبلی، بروز خواهد کرد و فضاحت های اقوام گذشته در امت نهایی پیامبر ص شکل می گیرد.</li> <li>دستور به استقامت</li> </ul>	<p>استقامت</p> <p>فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>صورت تبیینی (منظومه «تفصیلی») فاستقم کما امرت...</li> <li>ساختار حُسن بر اساس نماز، صبر و ذکر؛ جاری کردن حسنات در جامعه</li> </ul>	<p>وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>متنوع کردن نماز، از بهترین راه های جاری شدن حقایق در زندگی</li> <li>نماز جماعت، اوج تمرین هماهنگی با ولایت</li> <li>نماز، تمرین ولایت به وسیله امام جماعت</li> </ul>	<p>اقامه نماز / حسنات / ذکر</p> <p>وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزَلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش عمیق ترین مسائل حکومتی، در نماز جماعت</li> <li>در واقع مُصلح در قرآن، نامش مُحسن است.</li> <li>بیان تفصیلی «محسنین» در سوره یوسف ع</li> </ul>	<p>صبر / احسان</p> <p>وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>آیه غُرر</li> <li>به صرف وجود رسول، قومی نجات پیدا نمی کند.</li> <li>ضرورت تربیت افرادی که جامعه را با نهدی از فساد و نیز با اصلاح گری، به سمت امام زمان عج سوق دهند و او را در راستای غایتش کمک کنند.</li> <li>واکنش نسبت به انحراف جامعه، جزو رسالت های همه افراد جامعه است.</li> <li>در مقابل الذین ظلموا، کسانی که ظلم نمی کنند، قرار گرفته است؛ بلکه «اولوا بقیه» (نهی کنندگان از منکر) قرار می گیرند.</li> </ul>	<p>أُولُو بَقِيَّةٍ</p> <p>فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>آیه غُرر</li> <li>جامعه، بیمه کسانی است که دغدغه اصلاح دارند و آن را انجام می دهند.</li> <li>محسن: مصلح</li> </ul>	<p>وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>از آیات بسیار مهم و غرر قرآن</li> <li>انسان ها بر اساس طبع و طبیعتشان دائماً در اختلاف اند، اما</li> </ul>	<p>امت واحده</p> <p>وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا بَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾</p>	

<p>در عین حال قدرتی دارند که شأنی را در خود فعال کنند تا به واسطهٔ رحمت الهی اختلافی نداشته باشند و امت واحدهٔ توحیدی شوند.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• بر اساس فلسفهٔ خلقت انسان‌ها، عبادت و امت واحده شدن، یک چیز است (ما خلقت الجن و الانس...؛ و لذلک خلقهم).</li> </ul>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>• از آیات بسیار مهم و غرر قرآن</li> <li>• فلسفهٔ خلقت انسان‌ها، تشکیل امت واحده است (دغدغهٔ همه انبیاء و اولیای الهی).</li> <li>• تفکر صحیح و لازم: فلسفهٔ خلقت من، تشکیل امت واحده است پس همهٔ حرکاتم باید در راستای آن باشد.</li> <li>• این «رحمت»، به واسطهٔ ایمان افراد به وجود می‌آید.</li> <li>• تشکیل امت واحده، تجلی «احسن الخالقین بودن» خداست.</li> </ul>		<p>إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• آیهٔ غرر</li> <li>• قصه انبیاء، مایهٔ تثبیت قلب‌ها در لحظات نگرانی است.</li> <li>• نیاز به یک پیروزی همه‌گیر و فراگیر: حکومت حضرت صاحب‌الزمان عج</li> </ul>	<p>تثبیت فؤاد/حق/موعظه/ذکر</p>	<p>وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾</p>	<p>دسته نهم: آیات ۱۲۳-۱۲۰</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• آیات غرر</li> <li>• برداشته شدن حرز رسول از روی انسان؛ ترک کردن رسول یعنی هلاکت</li> </ul>		<p>وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾ وَأَنْتُمْ بِهَا مُنْتَقِرُونَ ﴿١٢٢﴾</p>	<p>بازنمایی غرض سوره</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• آیهٔ غرر</li> <li>• احکام‌های عالم، به صورت غیب هستند و تنها تفصیل آن‌هاست که ما آن را به صورت شهود می‌بینیم.</li> <li>• غیب هر چیزی، ملکوت آن است و اصل و صحنه‌گردان آن چیز نیز غیبش است و حال وقتی غیب هر چیز فقط مختص به خدا باشد، راهی به غیر از عبادت برای آدم‌ها باقی نمی‌ماند.</li> </ul>		<p>وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾</p>	